

## تاریخچه دیسیپلین تدریس اروپائیان

در کتب تاریخی مذکور است که دو نفر مخترع طریق تدریس بوده‌اند

۱ - قبل از میلاد ارسطو (حکیم یونانی) که بزرگترین مدرسه دوره خود را در پای تخت یونان تأسیس نمود و از اقطار کره زمین محصلین بادیه ها پیموده خدمت ایشان میرفته و کسب علوم و فضایل مینمودند و بعین ترتیب تدریس کنونی اروپائیانرا اختراع و دستور داد ارسطو پیشوا و معلم حکماء مشائی و صاحب رای بوده فن منطق که از مخترعات افلاطون و هنوز مرتب و مبسوط نشده بودند مدون و مرتب و مبسوط گردانید لذا او را معلم اول خوانند مقدم بر کل علوم علم تهذیب الاخلاق را تدریس و دستور میداد سپس حساب و هندسه بعد از آن منطق و سایر علوم را تعلیم میداده مقصود اصلیش در تعلیمات تکمیل نفوس بشری و صحت مزاج انفرادی و ترتیب و تنسیق حیوة اجتماعی بود لذا علم تهذیب الاخلاق را در تعلیم مقدم میداشت و بعد علوم می که ذهن را از ضلالت و اوهام محفوظ دارد مانند حساب و هندسه و منطق تدریس میکرد پس از آن با فاضله سایر علوم میپرداخت چون روابط دول و فرمان مانند حالیه نبود و کتب تدریسیه بزبان ملی یونانی بود فقط سعی و جدیت را در تحصیل معانی مقصوده علوم بکار میبردند نه در تحصیل لغت خارجه و نحو و صرف فی الجمله از زمان ارسطو بعد یونان مرکز علوم شد مخصوصاً تمام دول اروپا دیسیپلین و پروگرام تدریس ارسطو را تتبع و رواج دادند تا این زمان اروپائیان همان سبک را از دست نداده و روز بروز در تسهیل تعلیم و تالیف کتب کوشیدند و در سایه تسهیل تعلیم در بلاد خود علوم را بتمام طبقات تعمیم دادند و توسط تعمیم علوم بر تمام قطعات کره زمین مستولی شدند .

## - تاریخچه تدریس ایرانیان پس از اسلام -

در زمانی که اسکندر مقدونی ایرانرا بتصرف خود در آورد علوم و زبان یونانی در ایران منتشر گردید و عامل قوی برای اعدام زبان فارسی بکار افتاد یکی اکتساب علوم یونانی دوم ریاست یونانیها زیرا که تحصیل علوم هر قومی مبنی بر تحصیل لغات آنها است مانند اوضاع کنونی که تحصیل علوم اروپائیان موجب رواج لغت ایشان شده و ریاست هر طایفه نیز مروج نسان آنست .

اگر فارسی زبانان حیثیت قریب را از دست نداده نداشتند لغات و زبانشان کلیه معدوم گردد و پس از آنکه از آنحضرت آن دوره زبان فارسی حیوة تازه گرفت تا دور اسلامی در وقتیکه امواب فتح ایران کردند تمام کتبخانههای ایرانرا طعمه آتش نمودند و کنایس و آتشکدهها را یا خراب یا تبدیل بمساجد گردانیدند در ایندوره کتب ایرانی منحصر بقرآن و احادیث گردید و زبان عربی در ایران رواج گرفت خلاصه تا دوره عباسیون اسلامیان در شطربات کا و جدم و جدم و جدم بودند و فرصت انتشار و ترویج علوم نداشتند اما در دوره عباسیون بواسطه عظمت و وسعت دولت اسلام هیچ دولتی تاب همسری و مقاومت با آن نداشت در آن موقع که زمان آسایش بود بترویج علوم پرداختند.

چون در ممالک اسلامی کتبخانه نموده بود کتب یونانیها را بتوسط معلمین یونانی و محصلین آنجا بعربی ترجمه و در شهرها مدارس را تاسیس نمودند و علوم حکمیه از قبیل ریاضیات و منطق و حکمت الهی و طب و غیره را دایر گردانیدند و برای ترویج دین اسلام علماء و فضلا علم اصول دین و اصول فقه و تفسیر و علم فقه را تدوین نمودند چون در ممالک اسلامی اصحاب ادیان و عقاید مختلفه بسیار و تبعه دولت اسلام و

جزیه بده بودند اعدام تمام آنها را مذهبی با تمدن اسلامی میدانستند لذا در امان بودند و در معابد و کنایس خود آداب و رسوم مذهبی خودشان را انجام میدادند اما علماء آنها بر قرآن و احادیث تنقید مینمودند علماء اسلام برای تصحیح قرائت و اظهار فصاحت قرآن و احادیث و جواب تنقیدات مخالفین علوم عربیه از قبیل نحو و صرف بیان و معان و بدیع و علم قافیه و عروض و غیره را تدوین نمودند و علم کلام نیز بواسطه تعدد فرق اسلامی و تشتت آراء علماء و برای رد بعضی از عقاید ضاله رواج و مدون شد و تمام این علوم در مدارس مسلمانان تدریس میشد حکماء بزرگ مانند محمد فاریابی و ابوعلی سینا و شیخ شهاب الدین مقتول و فخر الدین رازی و محمد غزالی و نصیر الدین طوسی و شیخ محی الدین اعرابی و غیرها بروز و هر یک در علوم اخلاقی و طبیبی و حکمت الهی و ریاضیات تالیفات بسیار نمودند از جمله محمد فاریابی موسیقی ایرانی را اختراع نمود و تا آن زمان موسیقی در ایران مدون نشده بود فاریابی یک تالیف معتبری را در اصول موسیقی نوشت و علم منطق را در کتب بدرجه کمال رسانید لذا او را معلم ثانی میخواندند و منزلتش مقابل معلم اول ارستو حکیم یونانی میدانستند هکذا علوم اسلامی در ترقی و فضلاء بیشتر طلوع مینمودند اما در سیصد و بیست و یک سال پیش از این در ایران مدارس و پروگرام تدریس معین نشده بود هر کس هر قسم میل و رغبت داشت تدریس و تدریس میکرد تا دوره امیر تیمور کرکانی که در ترویج علوم و تعمیر مدارس و تأسیس رصدخانه و غیره جدیت داشت ملاسعد تفتازانی را که اعلم علماء آن زمان بود و محصلین آن دوره او را افضل میدانستند ب لقب علامه ملقب نمود و دستور تعلیمات را بعهده ایشان محول گردانید ملاسعد دید که تمام تالیفات مدارس بزبان عربیست و قبل از دانستن لغات و نحو و صرف عربی استفاده ممکن نیست تدریس صرف

و نحو عربی را بر سایر علوم مقدم داشت و فضلاء تصانیف مطوله و مختصره بيشمار را در این دو علم و سایر علوم عربیه تصنیف نمودند و برای اظهار فضل تالیفات کتب عربیه را بعبارات بسیار صعب و مغلق انشاء کردند. بالاخره دانستن لغات و نحو و صرف و بیان معان چندان اهمیت پیدا نمود که انرا عین مقصود میدانستند و اکثر اوقات عمر گرانمایه محصلین در آن صرف می شد و تحصیل سایر علوم نمیپرداختند مگر بعضی از مستعدین و از کباء در اصول و فقه یا در حکمت و کلام بدرجات عالیه میرسیدند.

چون تحصیل زبان عربی و کتب مشککه آن بسیار زحمت و مده مدید میخواست تعلیم علوم متعسر شد لذا تحصیل علم مخصوص اشخاصی گردید که مده عمر را در ریاضیت و کسب علوم صرف کنند و سایر مسلمانها در چهل میمانند و مجبور بتقلید میشدند. و بواسطه فراوانی چهل وقت فضلاء مسلمین از ترقی بازمانده و بجانب انحطاط رفتند برخلاف اروپائیان که طریق تدریس ارسطورا گرفته و در صدد تسهیل کتب و تدریس و تعمیم علوم کوشیدند و برای انجام این امر کتب و ترقی و تعالی مملکت خود مدارس بسیار مفتوح و کتب علمیه را بی غایت سهل و ساده نمودند بدرجه رسانیدند که اکثر افراد ملت ایشان عالم شدند و در سایه علم بر کل قطعات زمین مسلط و مقتدر آمدند.

ایرانیان دانشمند و وطن دوست پس از بصیرت و اطلاع باوضاع اروپائیان همانا بکانه راه سعادت و ترقی ایران و استخلاص از ذلت و فلاکت را اشاعه علوم و اتخاذ طرز تدریس اروپائیان دانستند و محصلین را بدانجا فرستادند تا علوم و مسلک عملیات ایشانرا تحصیل و در مملکت ایران دایر نمایند بحمدالله پس از زحمات مسافرین و مرحمت رجال بزرگ ایران مملکت ما داخل حیوة تازه شد.

که در تاسیس مدارس ابتدائی و متوسطه و ترجمه کتب بزبان ساده اهمال نمودند

- اگر تمام هموطنان بدقت نظر در فواید تعمیم علوم کنند و هر يك بقدر همت و وسع خود مدد نمایند در اندك مدتی ایرانیان ترقیهای علمی و عملی خواهند نمود.
- مخصوصاً خاطر مقدسه علماء ملت و پیشوایان را جلب مینماییم که ادنی مذاقه در این موضوع فرمایند که اگر تدریس در مدارس قدیمه را در تحت دستور ارسطو که مطابق بادستور تدریس کنونی جامع الاظهر مصر است در آورند و مدارس قدیمه را در تعداد مدارس عالیه قرار دهند چنانکه در اروپا تدریس حکمت الهی و فلسفه را در مدارس عالیه مینمایند و مدارس جدیده را در شمار مدارس مقدماتی مدارس قدیمه و معارف ایرانرا در تحت نظر خود در آورند چندین فواید و نتایج حسنه دارد.
- ۱ - موافقت روحانیون و مادیون
  - ۲ - هدایت عموم بوجه تحصیل علوم دینی
  - ۳ - رفع کدورت در بین محصلین بطرز قدیم و محصلین بطرز جدید
  - ۴ - اتحاد عقیده هموطنان در پیمودن طریق ترقی و تعالی ملت و مملکت
  - ۵ - حفظ مراتب و شئون مقام پرشوخانیت بواسطه وحدت و اتفاق ملت
  - ۶ - احیاء انبیه متبرکه قدیمه
  - ۷ - رواج علمائی که بر تدریس علوم دینی و حکمت قادرند
  - ۸ - تسهیل و تعمیم تعلیم عربی که فی الحقیقه لغات و عبارات آن جز و زبان فارسی شده و از تعام آن ایرانیان ناگزیرند
  - ۹ - نشر تفسیر قرآن و احادیث و آثار ائمه کرام علیهم السلام
  - ۱۰ - جلب قلوب عامه ملت بتوسط اقدامات موافقانه و غیره و غیره

در این موضوع دونفر برادر وطنی یکی کلاهی دوم یکنفر از علماء محترم روحانی مباحثه مینمودند چون مذاکره ایشان بیغرضانه بود در خاتمه

این مقاله مینگاریم.

کلاهی - چرا علماء بزرگ مدارس قدیمه را از دست داده و باوضاع رقت آور  
انبیه و آثار اجزاد ما که موجبات افتخار و علامت تمدن و نجات قوم ایرانی است توجهی  
نمیکنند چرا محصلین مانند سابق در تحصیل علوم و طی بادیه جهل و نیل بمقامات  
عالیه علمیه نمیگوشند.

روحانی - دین از میان رفته کسی طالب تحصیل نیست و عقیده مردمان فاسد شده

کلاهی - چرا عقاید فاسد شد ؟

روحانی - رفاقت و مجالست با فرنگیها عقاید را فاسد کرده .

کلاهی - اگر اختلاط موجب تغییر عقیده است چرا فرنگیها بواسطه مجالست  
با مسلمانها تغییر حاصل نمیکند ؟

روحانی - فرنگیها در امورات دنیا کاملند و با همدیگر مهربان و موافق و همیشه

در صدد ترقی دولت شوکت خود میباشند و مسلمانها را جاهل میدانند به بیانات ایشان

وقعی نگذارند

رتال خلع علوم انسانی

کلاهی - چرا مسلمانها . . . .

روحانی - فرنگیها در تمام شهرها و دهات مدرسه دارند و همه تحصیل کرده میباشند

اما مسلمانها بی علمند در صورتی در پنجاه هزار نفر یکنفر عالم باشد بمفاد المرء

عدو بما جهله سایرین تابوتانند از راه عداوت و بی انصافی اقدامات برضد عملیات

وزحمات او مینمایند و نمیگذارند نشر علم کند .

کلاهی - از بیانات جنابعالی معلوم شد که کثرت مدارس سبب نشر علوم در بین

فرنگیها شده در اینصورت واضح است که اگر مدارس قدیمه را داخل پروگرام صحیح

نمایند و بامدارس جدیده توام شوند اسباب نشر علوم و ترقی ملت ما فراهم آید .  
 روحانی - متجددینی که تأسیس مدارس جدیده مینمایند علوم ما را قبول نکنند  
 و مدارس قدیمه را در جزو مدارس نشمارند و جز بالسنة خارجه و بون ژور مسیوا اعتنا ندارند .  
 کلاهی - چون در اوائل علماء محصلین السنة خارجه و علم حساب و هندسه  
 و جغرافی را بدون تحقیق تکفیر میکردند و محصلین بعقاید و قلب خود بصیر بودند  
 میدانستند که مؤمنند نه کافر اذعان حاصل کردند که علماً ما تصدیق بلا تصور  
 و حکم بلا موجب میفرمایند ناچار کناره جستند .

اکنون که جمیع علما میدانند که تحصیل السنة خارجه و علم حساب و جغرافیا  
 موجب کفر نباشد موقع آنست که همتی کنند مدارس قدیمه و جدیده را توفیق داده آباد نمایند .  
 روحانی - ما از سبک تدریس علوم جدیده بیخبریم اگر چنین اقدامی بنمائیم  
 علوم ما کلیه منسی خواهد شد .

کلاهی - غیر از اینست آقا جان مگر نشنیده اید که در مدارس عالیة مصر و اسلامبول  
 علوم دینیه و حکمت بر طبق پروگرام جدید تدریس میشود .  
 روحانی - اگر چنین است چرا رجال دولت مدارس قدیمه را تعمیر نمیکنند  
 و مانند مدارس مصر و اسلامبول آنها را مدارس عالیة قرار نمیدهند .

کلاهی - رجال دولت اوقات را در اصلاح امور اساسی صرف مینمایند و وظیفه ایشان  
 فقط تعیین بودجه و تشویق کارکنان معارف است تفصیل مراتب مدارس و تأسیس  
 و تعمیر و دستور تدریس آن وظیفه علماء و مباشرین معارف است چنانکه متصدیان جدید  
 معارف روز بروز در تهیه توسعه مدارس و تألیفات ساده و مفیده و اتخاذ پروگرام و دستوراتند  
 فقط علوم اصول و فقه و حکمت که مخصوص شماست قریب است که محو

و نابود گردد.

روحانی - گفتار شما مقرون بصحت است اما وقتی مدارس قدیمه مامور و داخل تحت دستور صحیح میشود که رؤسا اوقاف موافقت نمایند و دخل اوقاف را بمصارف برسانند و این کار ممکن نیست اگر بعضی از علماء روحانی بخواهند در این موضوع مذاکره کنند رؤسا اوقاف دسته بندی نموده و جمعی را برخلاف ایشان برپا کنند گمان ندارم که در هیچکاری یکفرقه ایرانی اتفاق داشته باشند.

برهرکاری که جمعی اقدام نمایند جمعی دیگر برضد آنها قیام کنند.

کلاهی - این جواب حقیقت آمیز را تقدیس مینمایم بسیار صحیح فرمودی.

خلاصه مذاکرات بنده با جنابعالی اینست که ایرانی اتفاق ندارند و خرابیهای ملک و ملت ما از نفاق است (دولت همه ز اتفاق خیزد بی دولتی از نفاق خیزد)

روحانی - بلی خرابی دین و دنیای ایرانی از نفاق است علاج همه دردها اینست که فضلا و دانشمندان پر روحانی علوم متجددین مطالعات اتفاق را بهم دیگر داده و سایرین را هدایت نمایند به به چه خوبست محصلین السنه خارجه و علوم جدیده بامحصلین اصولی و حکمتی متفق شوند هم از یکدیگر استفاضه کنند و هم بر دیگران افاضه نمایند مسلم است که مدارس قدیمه از سابق معمورتر و بهتر گردد

کلاهی - از انصاف جنابعالی متشکرم

قطبی

